

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1390/12/13

موضوع: جایگاه «امامت» و «ولایت» در اندیشه علمای شیعه و سنی

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة و السلام على رسول الله و على آله آل الله لاسيما مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله

موضوع بحث ما فرمایش «آیت الله خویی» در شهادت ثالثه بود. ایشان بعد از نقض و ابرامی که نسبت به فرمایشات بزرگان داشتند، فرمودند: "آنچه مطلب را ساده و آسان می‌کند این است که اصلاً ما برای اثبات و مشروعیت شهادت ثالثه نیازی به این نصوص نداریم."

«أنا في غنى من ورود النص»

ما از استدلال به نصوص برای مشروعیت شهادت ثالثه بی نیاز هستیم.

«إذ لا شبهة في رجحان الشهادة الثالثة في نفسها»

شکی نیست که در شهادت ثالثه فی نفسه رجحان وجود دارد.

«بعد أن كانت الولاية من متممات الرسالة و مقومات الإيمان و من كمال الدين»

چون ولایت یکی از متممات و مکمل رسالت، مقوم ایمان و کمال دین است.

«بمقتضى قوله تعالى: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)»

به مقتضای آیه شریفه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ).

«بل من الخمس آلتی بنی علیها الإسلام»

بلکه ولایت جزء پنج پایه‌ای است که اسلام بر آن بنا شده است.

همان روایتی که «ابن ابی نجران» از قول امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَتَأَدَّ بِشَيْءٍ مَّا نُودِيَ

بِالْوَلَايَةِ»

وسائل الشيعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم

السلام، ج 1، ص 18، ح 10

این روایت که از قول «ابن ابی نجران» نقل شده است صحیح است. «سید خوئی» در ادامه می‌نویسد:

«بل من الخمس آلتی بنی علیها الإسلام»

ولایت یکی از مواردی است که اسلام بر آن بنا نهاده و استوار شده است.

«و لا سيما و قد أصبحت فی هذه الأعصار من أجلی أنحاء الشعائر»

شهادت ثالثه در این عصرها یکی از جلی‌ترین و روشن‌ترین انواع شعار شیعه است.

«و أبرز رموز التشيع»

شهادت ثالثه بارزترین رمز تشیع است.

«و شعائر مذهب الفرقة الناجية»

شهادت ثالثه یکی از شعائر مذهب فرقه ناجیه است.

با توجه به این قضایا که ولایت از متممات رسالت است و اسلام بر آن بنا شده است؛

«فهی أذن أمر مرغوب فیه شرعاً»

ما از نظر شرعی کشف می‌کنیم که شهادت ثالثه صحیح و مورد نظر شارع مقدس است.

«و راجح قطعاً فی الأذان و غیره»

و قطعاً گفتن شهادت ثالثه چه در اذان و چه در غیر اذان راجح است.

من احساس می‌کنم فرمایش ایشان، فرمایشی جامع، کامل، مستدل و مبرهن است. بنده ندیدم در میان فقها اعم از متقدمین، متأخرین و معاصرین، کسی به این شکل و به این زیبایی استدلال کرده باشد. البته ایشان ذیل مطالب خود تبصره‌ای هم دارد و می‌گوید:

«و إن كان الإتيان بها فيه بقصد الجزئية بدعة باطلة و تشریحاً محرماً حسبما عرفت»

اگر کسی شهادت ثالثه را به قصد جزئیت در اذان و اقامه بیاورد بدعت و تشریحی حرام است.

موسوعة الإمام الخوئی، ج 13، ص 260، فصل فی الأذان و الإقامة

عزیزان دقت کنند که نظر ایشان با تمام این قدرت استدلال و صراحت بیان و زیبایی کلام این است که ما نمی‌توانیم شهادت ثالثه را به قصد جزئیت بگوییم؛ بلکه می‌توانیم به قصد رجاء، ثواب و به قصد شعار بگوییم.

همانطور که ما بعد از گفتن نام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) صلوات می‌فرستیم و اگر کسی معتقد باشد که

این صلوات جزء اذان است بدعت است؛ شهادت ثالثه هم عین صلوات فرستادن بعد از «أشهد أن محمداً رسول

الله» اگر به قصد جزئیت باشد، بدعت و حرام است.

بنده در اینجا می‌خواستم با توجه به فرمایش «آقای خویی» نکته‌ای را برای عزیزان توضیح بدهم که معمولاً به این نکته کمتر توجه می‌شود. ایشان بیان کردند: "ولایت یکی از متممات رسالت است" به عبارت دیگر: "استمرار رسالت در ولایت متجلی می‌شود."

### **بزرگان شیعه: ولایت یکی از متممات رسالت و بالاتر از رسالت است.**

بنده در این زمینه بخشی از فرمایشات و کلمات بعضی از بزرگان، اعم از متقدمین و متأخرین را که معتقدند: "ولایت از متممات رسالت است، ولایت یا امامت بالاتر از رسالت است، ولایت همان وظائف رسالت است" عرض می‌کنم.

عزیزان این مطالب را از ما به یادگار داشته باشند. زیرا شاید محصول بیش از دویست یا سیصد ساعت کار، تحقیق و بررسی است که ما توانستیم این اقوال را در یک جا جمع کنیم. من ندیدم کسی این اقوال بزرگان را در این قضیه به این شکل جمع کرده باشد.

### **1- «محمد بن جریر طبری»:**

قول اول مربوط به «محمد بن جریر طبری» است. ما چند نفر به نام «محمد بن جریر» داریم؛ «محمد بن جریر سنی» صاحب تفسیر و تاریخ است که متوفای 310 هجری است و یکی از علمای بزرگ اهل سنت است.

همچنین «محمد بن جریر» دیگری داریم که ایشان هم معاصر «محمد بن جریر طبری» شیعی صاحب کتاب «دلائل الامامة» و معاصر مرحوم «شیخ طوسی» و «نجاشی» بوده است. او تقریباً متوفای سال‌های 400 یا بعد از 400 هجری بوده است.

همچنین «محمد بن جریر» دیگری داریم که صاحب کتاب «المسترشد» هست. ایشان زمان امام عسکری (علیه السلام) و زمان «کلینی» را درک کرده است. او در حقیقت سال 260 هجری زمان حیات «کلینی» را درک کرده است، زیرا «کلینی» متوفای 329 هجری است.

در هر صورت، «محمد بن جریر طبری» صاحب کتاب «المسترشد» در کتاب خود صفحه 641 مطلب بسیار زیبایی دارد و می‌گوید:

«أَنَّ الْإِمَامَةَ الَّتِي هِيَ فِرْعَ الرَّسَالَةِ»

امامت فرع رسالت است.

«لا تجوز إلا أن تكون في قوم تجتمع فيهم الخصال التي نذكرها»

امامت در افرادی جمع می‌شود و افرادی شایسته امامت هستند که خصلت‌هایی داشته باشند.

«فأولها القرابة بالرسول ثم العلم و المعرفة بما تحتاج إليه الأمة، ثم الإمامة و العفة و الزهد في الدنيا»

المسترشد في إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام، نویسنده: طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن

رستم، محقق / مصحح: محمودی، احمد، ص 641، ح 300

2- «ابن شهر آشوب مازندرانی»:

«ابن شهر آشوب مازندرانی» متوفای سال 588 هجری در کتاب «مناقب آل ابی طالب» تعبیر زیبایی دارد. او از

«فضل بن شاذان» که در عصر امام رضا (علیه السلام) بوده نقل می‌کند و در ذیل آیه شریفه: «

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)

و خویشاوندان نسبت به یکدیگر (از دیگران) در احکامی که خدا مقرر داشته سزاوارترند خداوند به همه چیز دانا است.

سوره انفال (8): آیه 75

می‌گوید:

«إِذَا أَوْجَبَ اللَّهُ لِلأَقْرَبِ بِرَسُولِ اللَّهِ الْوَلَايَةَ وَحَكْمَ بِأَنَّهُ أَوْلَىٰ مِنْ غَيْرِهِ»

این آیه دلالت می‌کند که ارحام پیغمبر که امیرالمؤمنین هم جزو آنهاست نسبت به غیر اولویت دارد.

«فإن عليا أولى بمقام النبي ص من كل أحد»

شاهد مثال ما اینجا است که می‌نویسد:

«لأن الإمامة فرع الرسالة»

امامت فرع رسالت است.

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج 1، ص 261،

فصل فی مفسداتها

3- «علامه حلی»:

«علامه حلی» تعابیر متعددی دارد؛ یکی از تعبیرهای ایشان در کتاب «النافع يوم الحشر» صفحه 95 این است:

«واعلم: أن كل ما دل على وجوب النبوة فهو دال على وجوب الإمامة»

تمام ادله دال بر وجوب نبوت بر وجوب امامت نیز دلالت می‌کند.

«إذ الإمامة خلافة عن النبوة قائمة مقامها»

امامت، خلافت از نبوت و قائم مقام نبوت است.

النافع يوم الحشر في شرح الباب الحادي عشر، للعلامة أبي منصور جمال الدين الحسن بن يوسف الحلي؛ دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع؛ نالطبعة الثانية؛ 1417 هـ - 1996 م؛ شرح: المقداد السيوري، ص 95، الفصل السادس في الإمامة وفيه مباحث

4- «قاضي نورالله شوشتری»:

«مرحوم قاضي نورالله شوشتری» صاحب كتاب «احقاق الحق» می گوید:

«ان الامامة خلافة عن النبوة قائمة مقامها»

امامت خلافتی از نبوت است و قائم مقام نبوت است.

إحقاق الحق وإزهاق الباطل؛ تأليف العلامة في العلوم العقلية والنقلية القاضي السيد نور الله الحسيني المرعشي التستري؛ مع تعليقات نفيسة هامة بقلم: فضيلة الأستاذ الفقيه

الجامع العلامة البارع آية الله السيد شهاب الدين النجفي دام ظله؛ ج2، ص 312

5- «شيخ محمد حسين آل كاشف الغطاء»:

مرحوم «شيخ محمد حسين آل كاشف الغطاء» می گوید:

«أن مرادهم بالإمامة: كونها منصبا إلهيا»

مراد شیعه از امامت این است که امامت منصبی الهی است.

«يختاره الله بسابق علمه بعباده، كما يختار النبي»

همانطور که انتخاب پیامبر به دست خداوند است انتخاب امام هم به دست خداوند است.

أصل الشيعة وأصولها، الشيخ محمد حسين كاشف الغطاء، ص 221، باب مقدمة الطبعة السابعة

همچنانکه «ألوسی» در کتاب «تفسیر روح المعانی» می نویسد:

«يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك إن عليا ولي المؤمنين»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 6، ص 193، باب

المائدة: ( 67 ) يا أيها الرسول... ..

6- «شيخ محمد رضا مظفر»:

تعبیر «مرحوم شیخ محمد رضا مظفر» این است:

«فالإمامة استمرار للنبوة»

امامت استمرار نبوت است.

عقائد الإمامية، نویسنده: الشيخ محمد رضا المظفر، ص 66، شماره 23

بعد می گوید: همان دلیلی که وجوب ارسال رسل و بعثت انبیاء را ثابت می کند، نصب امام بعد از پیغمبر اکرم

(صلی الله علیه و آله) را نیز ثابت می کند.

7- «شيخ محمد حسين مظفر»:

«مرحوم شیخ محمد حسین مظفر» صاحب کتاب «دلائل الصدق» می گوید:

«ويشهد لكون الإمامة من أصول الدين، أن منزلة الإمام كالنبي»



یکی از ادله‌ای که ثابت می‌کند امامت از اصول دین است این است که جایگاه امام همانند جایگاه پیغمبر است.

«فی حفظ الشرع، و وجوب اتّباعه، و الحاجة إليه، و رئاسته العامّة، بلا فرق»

دلائل الصدق لنهج الحق، نویسنده: الشیخ محمد حسن المظفر، ج 4، ص 217

جایگاه امامت همان جایگاه نبوت در حفظ شرع است. همانطور که پیغمبر هم آورنده شرع است و هم حافظ شرع است، امام هم حافظ شرع است. همانگونه که پیروی از پیغمبر اکرم واجب است، پیروی از امام هم واجب است. همانطور که به وجود پیغمبر نیاز است، به وجود امام هم نیاز است. همانطور که پیغمبر در امور دین و دنیا ریاست عامه دارد، امام هم در امور دینی و دنیوی ریاست عامه دارد.

8- «علامه امینی»:

«مرحوم علامه امینی» در کتاب «الغدیر» جلد هفتم صفحه 131 می‌گوید:

«فی الخلافة أنها إمرة إلهية كالنبوة»

امامت همانند نبوت امری الهی است.

«وإن كان الرسول خص بالتشريع والوحي الإلهي»

اگر چه پیغمبر اکرم این ویژگی را دارد که مشرع است و وحی الهی به او نازل می‌شود.

الغدیر، نویسنده: الشیخ الأمینی، ج 7، ص 131، باب 5

یعنی امامت همان جایگاه نبوت را دارد به استثنای اینکه امام مُشرّع نیست. و وحی به امام نمی‌شود.

9- «سید علی بهبهانی»:

«مرحوم سید علی بهبهانی» کتابی به نام «مصباح الهدایة فی اثبات الولاية» دارد که از کتاب‌های بسیار خوب است.

ما به دوستان توصیه می‌کنیم حتماً این کتاب را یک دوره مطالعه کنند. نویسنده در تمام ابواب این کتاب ابتدا روایاتی از شیعه در عصمت، امامت، رجعت، در استدلال به حدیث غدیر و یا در استدلال به حدیث منزلت می‌آورد - ده مورد، دوازده مورد و بعضاً بیست یا سی روایت از شیعه می‌آورد - سپس شروع می‌کند در یک موضوع سی یا چهل روایت از اهل سنت می‌آورد.

این کتاب، کتاب بسیار خوبی است و یک دوره مطالعه کردن آن ذهن انسان را باز می‌کند. ایشان در فضای بسیار وسیعی در منابع روایت، روایات شیعه و سنی را می‌آورد.

به نظرم می‌رسد شاید این کتاب تنها کتابی است که در تمام امور ولایت، هم روایات شیعه و هم روایات اهل سنت را آورده است. این کتاب یکی از کتاب‌هایی است که اگر تحقیق شود، پاورقی بخورد و روایات آن بررسی رجالی شود کار بسیار خوبی است.

البته شنیدم یکی از این مؤسسات مشغول به انجام این کار هستند. اگر دوستان اطلاعی داشته باشند و خبر دهند ما هم استفاده می‌کنیم. این کتاب، کتاب با ارزشی است. ایشان بحث را در باب امامت بسیار مفصل آورده است تا جایی که می‌گوید:

«قد تبين مما بيناه من أن الإمامة أعلى مرتبة، و أكمل درجة من النبوة و الرسالة»

از آنچه گفتیم معلوم شد که مرتبه امامت بالاتر و درجه آن کامل‌تر از نبوت و رسالت است.

مصباح الهدایة فی إثبات الولاية، نویسنده: السید علی بهبهانی، ص 133، باب الحدیث العاشر

ایشان سپس می‌گوید: پیغمبر اکرم اضافه بر اینکه نبی و رسول بود، امام هم بود. زمانی که رسول اکرم در روز غدیر خم امیرالمؤمنین را برای امامت نصب کرد در حقیقت مرتبه امامت خودش را برای علی بن ابی طالب تثبیت کرد.

او برای این کار دلیل بسیار زیبایی دارد و می‌گوید: پیغمبر اکرم زمانی که می‌خواست امیرالمؤمنین را نصب کند، فرمود:

«ألست أولى بكم من أنفسكم»

آیا ولایت من بر شما از خود شما قوی‌تر نیست؟!

«ولم يقل: " لست نبیکم أو رسولکم "»

حضرت نفرمودند: آیا من پیغمبر و رسول شما نیستم؟!

حضرت نخواست نبوت و رسالت را برای امیرالمؤمنین تثبیت کند، بلکه خواست ولایت تامه‌ای که از شئون و وظائف امامت است را برای علی بن ابی طالب تثبیت کند.

«فإن إمامة الفرع وولایته متفرعة علی إمامة الأصل وولایته»

ولایتی که پیغمبر اکرم برای علی بن ابی طالب تثبیت کرد فرع امامتی است که خداوند برای پیغمبر اکرم تثبیت کرده است.

«لا علی نبوته ورسالته»

پیغمبر اکرم جایگاه علی بن ابی طالب را برای رسالت یا نبوت خود تثبیت نکرده است.

مصباح الهدایة فی إثبات الولاية، نویسنده: السید علی البهبهانی، ص 133، باب الحدیث العاشر

ایشان در صفحه 352 هم بحث بسیار مفصلي دارد. «مرحوم آيت الله العظمى مرعشى نجفى» هم در كتاب «حاشيه احقاق الحق» جلد دوم صفحه 306 مى گويد:

«أن الإمامة خلافة عن النبوة وقائمة مقامها»

امامت خلافت از نبوت و قائم مقام نبوت است.

شرح إحقاق الحق، نویسنده: السيد المرعشى، ج 2، ص 306، پ 1

#### 10- «حضرت آيت الله سبحانى»:

همچنين حضرت آيت الله سبحانى تعبير زیبایی دارد و مى گويد:

«وأما على القول بأن الإمامة استمرار لوظائف الرسالة لا لنفس الرسالة»

جاىگاه امامت استمرار وظائف رسالت است، نه استمرار نبوت پيغمبر اکرم.

«فإن الرسالة والنبوة مختومتان بالتحاق النبى الأكرم (صلى الله عليه وآله) بالرفيق الأعلى»

با رفتن نبى مکرم پرونده نبوت و رسالت برای همیشه مختومه شد.

أضواء على عقائد الشيعة الإمامية، نویسنده: الشيخ السبحانى، ص 385، باب الفرق بين الشيعة الإمامية

وسائر الفرق

این كتاب هم كتاب زیبایی است. یکی از بهترین كتابهایی که در سالهای اخیر چاپ شد كتاب «أضواء على

عقائد الشيعة الاماميه» است که در حقيقت جوابی بر بعضی از شبهات «ناصرالدين قفارى» در كتاب «أصول

مذهب الشيعة الإمامية الأثنى عشرية» است.

#### 11- «سيد محمد باقر حكيم»:

«مرحوم سید محمد باقر حکیم» تعبیری دارد که می‌گوید:

«حيث شاء الله تعالى أن يكون استمرار الرسالة الخاتمة عن طريق نظرية (الإمامة)، وأن تكون هذه

الإمامة في أهل البيت سلام الله عليهم»

مشیت و اراده الهی بر این تعلق گرفته است که استمرار رسالت نبی خاتم از طریق نظریه امامت انجام

بگیرد و این امامت هم در اهل بیت (علیهم السلام) صورت بگیرد.

أهل البيت في الحياة الإسلامية، نویسنده: السید محمد باقر الحکیم، ص 12

12- «جمیل صدقی زهاوی»:

از میان علمای اهل سنت آقای «جمیل صدقی زهاوی» از شخصیت‌های برجسته اهل سنت است که هم عرب،

هم کرد و هم فارس است مطالبی در این خصوص بیان کرده است. او که شخصیت جامعی است کتابی به نام

«الفجر الصادق» دارد که در آنجا پاپیج خیلی از عقائد وهابیت شده است. این کتاب، کتاب خوبی است البته با

نگاه یک انسان سنی نوشته است. او در همان صفحه 5 می‌گوید:

«فمن الواضح البين أن الإمامة خلافة ونيابة عن النبوة»

واضح و روشن است که امامت خلافت و نیابتی از نبوت است.

«فكما أن النبوة عامة في البشر لم يخصصها الله تعالى بصنف من الناس دون آخرين كذلك الإمامة لا

تختص بقوم من المسلمين دون غيرهم»

همانگونه که نبوت پیامبر فراگیر و جهانی است و خداوند نبوت پیامبر را به یک منطقه و یک قبیله

اختصاص نداده است و جهانی است، امامت هم فراگیر و جهانی است و تنها مخصوص بخشی از

مسلمین نیست.

الفجر الصادق، نویسنده: جمیل صدقی الزهاوی، ص 5، باب الإمامة الكبرى

آقای «دکتر مصطفی غالب» که یکی از شخصیت‌های برجسته مصری است کتابی تحت عنوان «الامامة و قائم القيامة» دارد که در صفحه 19 مطلب خیلی خوبی درباره مسئله امامت دارد.

جناب «کامل سلیمان الکتانی» یکی دیگر از شخصیت‌های برجسته هست که در این زمینه نکاتی دارد و مطالبی را مطرح کرده است. مثل این عبارت که:

«ان المرتبة الإمامة كالنبوة»

این مطالب در حقیقت نظریه بزرگان از قرن سوم و چهارم هجری تا عصر حاضر است که اعتراف دارند امامت همان خلافتی از نبوت است، قائم مقام نبوت و استمرار همان رسالت است. به تعبیر آیت الله سبحانی استمرار وظائف رسالت است، نه خود رسالت.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته